

در صورتی که فتح آشور و تصرف نینوا در قرن هفتم ق.م. انجام گرفت.

- به نظر کتزیاس، بابل در زمان سه پادشاه پیش از استیاگ، یکی از ساتراپهای ماد بوده است. در صورتی که بابل در زمان کورش و در سال ۵۳۸ ق.م. به انقیاد پارس درآمده و در زمان مادها، بابل مستقل بوده است.

- کتزیاس، نام‌های پادشاهان بابل و مصر را نیز جعل کرده است.

۴- نه تنها مطالبی که کتزیاس، مدعی است در سالنامه‌های ایرانی خوانده، مخدوش است، بلکه آنچه مدعی است، بچشم خویش دیده نیز نادرست است.

الیان رومی می‌نویسد: «کتزیاس در کتاب ایندیکا آورده است که در هندوستان جانور درنده‌ای وجود دارد، به اندازه یک شیر و به رنگ سرخ، پشم آلود، چون سگ که به زبان هندی آن را «مرتی خوراس» می‌نامند. صورتش مانند جانوران نیست و مانند آدمیان می‌باشد، سه ردیف دندان بالا و سه ردیف پائین که از دندان سگ تیزتر است، گوش‌هایش مانند گوش انسان است، چشمانش خاکستری ولی پنجه‌ها و ناخن‌هایش مانند پنجه‌ها و ناخن‌های شیر است. در انتهای دمش نیش عقربی است به درازای بیش از یک ذراع (نیم متر)!!»

کتزیاس می‌نویسد: این حیوان را نزد پارسیان دیده است و هندیان آن را به عنوان هدیه برای شاه ایران آورده‌اند. این افسانه، نشان می‌دهد که نه تنها کل داستان جعلی است بلکه ثابت می‌کند که وی پارسی را هم خوب نمی‌دانسته زیرا کلمه «مرتی خوراس» یا آدمخوار، کلمه‌ای فارسی است نه هندی.

نتیجه:

ظاهراً کتزیاس، قصد نداشته که در دربار ایران یادداشت‌هایی بردارد. وی پس از مراجعت به میهن خویش، تحت تأثیر افتخاری که در نتیجه تألیف تاریخ نصیب هرودت شده بود، قرار گرفت. و تصمیم به نگارش تاریخ گرفت و نوشته‌های خویش را ضد نوشته‌های هرودت به رشته تحریر درآورد. کتاب هرودت در تجلیل از آتن است، اما نوشته‌های وی در بزرگداشت، اسپارت بود.

کتزیاس چون از جزئیات گوناگون زندگی و وقایع داخلی ایران آگاه بود، به آسانی می‌توانست، گفته‌های هرودت را تکذیب کند. بنابراین هرچا هرودت نوشته است سفید او نوشته سیاه؟!!

زیرنویس‌ها:

- ۱- پیرنیا، حسن، تاریخ ایران باستان، دیبای کتاب، ۱۳۶۲، ۷۲/۱
- ۲- دیاکنف، تاریخ ماد، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات پیام، ۱۳۵۷، ص ۲۴
- ۳- پیرنیا، پیشین، ص ۷۳
- ۴- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ در ترازو، امیرکبیر، ص ۱۳۶
- ۵- دیاکنف، پیشین، ص ۲۵
- ۶- همو
- ۷- همو
- ۸- پیشین، ص ۲۷
- ۹- پیشین ۲۸

## نگاهی به

# «تاریخ و صاف» یا «تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار»

■ محمدرضا معینی جهرمی

جلد دوم کتاب به حوادث دوره حکومت ارغون خان (۶۹۰-۶۸۴ ه.ق) و تاریخ اتابکان لر کوچک اختصاص یافته است.

در جلد سوم و صاف وقایع مربوط به حکومت گیخاتو، بایدو و بخشی از دوره غازان خان، هفتمین ایلخان مغول را بیان کرده است. وی در همین جلد به تاریخ کرمان از دیلمیان تا ۶۹۶ ه.ق نیز پرداخته است.

در جلد چهارم روابط غازان خان با ممالیک مصر و بخشی از حوادث دوره الجایتو همچنین تاریخ سلوک شبانکاره، اوضاع ماوراءالنهر، چین و هند (همزمان با حکومت الجایتو) بیان شده است.

وصاف خلاصه‌ای از کتاب تاریخ جهانگشای جوینی را (که در مورد هجوم مغول، خوارزمشاهیان و اسماعیلیان است) بنام «تذیب تاریخ جهانگشای» بین جلد چهارم و پنجم کتاب خود آورده است، که البته، چنانکه خود می‌نویسد، مطالبی را هم به آن افزوده است.

جلد پنجم کتاب به دنباله حوادث دوره الجایتو و اوایل حکومت سلطان ابوسعید، آخرین ایلخان مغول، و اوضاع فارس در آن دوره اختصاص دارد. و صاف حوادث دوره سلطان ابوسعید را با حوادث سال ۷۱۹ ه.ق به پایان می‌برد، ولی مطالب تاریخی کتاب با شرح حکومت «سلطان علاءالدین پادشاه دهلی و پایان کار او» در سال ۷۲۳ ه.ق، خاتمه می‌یابد.

### امتیازات و اهمیت کتاب:

وصاف را باید مورخی مستقل و بی‌طرف به حساب آورد. او حکومت ایلخانان را پذیرفته و قدرت برتر آن را باعث ایجاد نظم و آرامش در سرزمین ایران می‌داند، سرزمینی که دوره‌ای طولانی از ناامنی، ویرانی و قتل و غارت ناشی از درگیری‌های داخلی و هجوم‌های خارجی را پشت سر گذاشته بود. و صاف حتی در این حکومت به مشاغل دیوانی و مالی وارد شد، و از آن انتظار صله و انعام داشت. در عین حال همواره در نگارش حوادث و مسائل جانب حق و انصاف را رعایت کرده و مفساد، چپاولگری‌ها و ظلم و ستم‌های مغولان را هیچوقت از نظر دور نمی‌دارد. مرحوم ملک‌الشعراء بهار پس از ذکر مثالی در این باره می‌نویسد: من پس از خواندن ابوالفضل بیهنی ... این مرد فاضل را دیدم که تا این درجه جانب حق و عدل را رعایت کرده است. از سوی دیگر و صاف

هرچند در دوره مغول حیات اجتماعی و فرهنگی ایران زمین به رکود کشیده شد اما تاریخ‌نویسی رونقی دوباره یافت. حادثه‌ای عظیم یعنی هجوم مغول، گسترش افق‌های علمی ایرانیان در نتیجه ارتباط با شرق و غرب، به همراه تشویق‌های ایلخانان مغول از جمله عوامل این رونق بود. در این عهد مورخین بسیاری به ثبت و ضبط حوادث تاریخی پرداختند که یکی از مهمترین آنها شهاب‌الدین عبدالله بن فضل الله معروف به و صاف الحضرة بود.

وصاف به سال ۶۶۳ ه.ق، در عهد حکومت ایلخانان، در شیراز متولد شد. او که مردی فاضل، ادیب و شاعر بود، در شیراز در مشاغل دیوانی وارد شد و به تدریج از نزدیکان خواجه صدرالدین احمد خالدي زنجانی نایب امیر طناجار در حکومت فارس گردید. مدتی بعد به خاندان خواجه رشیدالدین فضل الله وزیر بستگی بسیار پیدا کرد و به توسط او به دربار غازان خان (۷۰۳-۶۹۴ ه.ق) و الجایتو (۷۱۶-۷۰۳ ه.ق) راه یافت.

### مطالب تاریخ و صاف:

وصاف از سال ۶۹۹ ه.ق به تدریج به تألیف تاریخ معروف خود «تجزیه الامصار و تزجیه الاعصار» معروف به تاریخ و صاف پرداخت. تاریخ و صاف منبع دست اول ارزشمندی برای سلسله ایلخانان است. وی در این کتاب حوادث تاریخی را به صورت موضوعی از پایان کتاب تاریخ جهانگشای جوینی، یعنی سال ۶۵۶ ه.ق (فتح بغداد به وسیله هلاکو) تا سال ۷۲۳ ه.ق، اواسط حکومت سلطان ابوسعید (آخرین ایلخان مغول) به رشته تحریر درآورده است و چنانکه خود اشاره دارد کتاب ذیلی بر تاریخ جهانگشاست. و صاف کتاب خود را به پنج جلد تقسیم کرده است:

جلد اول با چگونگی فتح بغداد در ۶۵۶ شروع می‌شود و با حوادث و مسائل سیاسی، نظامی، دیوانی و اقتصادی حکومت هلاکو، اباقا و سلطان احمد نگویدار ادامه می‌یابد. (۶۸۴ ه.ق) پس از آن و صاف به شرح تاریخ فارس از عهد سلجوقیان تا سال ۶۸۹ ه.ق پرداخته است. وی در شرح تاریخ فارس هرچه به زمان خود نزدیکتر می‌شود مشروح‌تر سخن می‌گوید. در این جلد همچنین اطلاعاتی در مورد آل کرت و حکومت مصر از ایوبیان به بعد وجود دارد.

همزمان با حکومت ایلخانان می‌زیست و در امور دیوانی و مالی آن اشتغال داشت، لذا حوادث را یا خود دیده و یا از زبان افراد مطلع شنیده است<sup>۷</sup> و سپس آنها را با دیدی نقادانه و موشکافانه به رشته تحریر درآورده است. مثلاً در مورد اصلاحات غازان خان وی ابتدا ویرانی‌های قبل از اصلاحات و نیز فرامین اصلاحات را نوشته و سپس به تحلیل نتایج آن پرداخته است، دقت و صاف در این تحلیل‌ها به حدی است که حتی به ضرر و زیان‌های ناشی از سوءاستفاده‌های مأموران حکومتی از این اصلاحات نیز اشاره نموده است.<sup>۸</sup>

بخش اعظم تاریخ و صاف به مسائل سیاسی، نظامی، دیوانی، مالی و روابط خارجی حکومت ایلخانان اختصاص دارد و از این حیث هنگامی که در کنار سایر منابع تاریخی این دوره، خصوصاً «جامع‌التواریخ» اثر خواجه رشیدالدین فضل‌الله وزیر (متوفی ۷۱۸ ه. ق) مورد استفاده قرار گیرد منبعی کاملاً سودمند است، زیرا و صاف و خواجه رشیدالدین به طور جداگانه از دیده‌ها و شنیده‌های خود بهره برده‌اند. در واقع تاریخ و صاف و جامع‌التواریخ یکدیگر را تکمیل می‌کنند و می‌توانند برای تشخیص صحت مطالب هر یک بکار آیند. مثلاً و صاف قضیهٔ املاک اینجوی<sup>۹</sup> فارس را در قبل امیروقا (وزیر ارغون خان) مؤثر داشته و آن را تشریح کرده است. و یا اشاره می‌کند که ارغون خان درصدد لشکرکشی و تخریب خانه کعبه بوده است.<sup>۱۰</sup> در صورتیکه خواجه رشیدالدین به قضایای مزبور هیچ اشاردهای نکرده است. و صاف تنها به حوادث مربوط به مرکز حکومت ایلخانان قناعت نکرده است، بلکه در حد اطلاعات خود تمامی حوادث دنیای آن روز را، که به حکومت ایلخانان نیز مربوط می‌شد، در کتاب خود گنجانده است. از جمله در مورد حکومت‌های ممالیک، جغتاییان، خانان دشت قبچاق، چین و هند در این کتاب مطالبی وجود دارد، که خود از گستردگی سرزمین‌های تحت حکومت مغولان و روابط فرهنگی، تجاری و نظامی با آنها ناشی شده است. از سوی دیگر و صاف به اوضاع فرهنگی، اجتماعی، دیوانی، اقتصادی و سیاسی اکثر ولایات ایران نیز پرداخته است، و همین نیز باعث شده تا این کتاب منبعی ارزشمند برای شناخت حکومت‌های محلی، نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران در عهد مغول و همچنین عکس‌العمل‌های مردم ایران در برابر حکومت ایلخانان باشد. در واقع تاریخ و صاف را باید تاریخی محلی نیز به حساب آورد، هرچند که محور بحث‌های آن حکومت ایلخانان است. حکومت‌های محلی که همزمان با ایلخانان و یا اندکی قبل از آن بودند و و صاف به آنها نیز پرداخته است عبارتند از:

اتابکان لر کوچک، ملوک شبانکاره، قاوردیان کرمان، قراختاییان کرمان، ملوک قیس، ملوک هرموز و خصوصاً اتابکان فارس.

لازم به ذکر است که و صاف بیش از دیگر نقاط ایران به شناساندن تاریخ موطن خودش یعنی فارس توجه نموده است. چرا که به جهت اشتغال در امور دیوانی و مالی فارس از اوضاع نابسامان آن اطلاع بیشتری داشته است.

از سوی دیگر مطالب و صاف در مورد حکومت‌های

مذکور، به شناسایی نوع رابطهٔ ایلخانان با حکومت‌های محلی، نحوهٔ ادارهٔ ولایات و نظام مالیاتی ایلخانان کمک می‌کند. تاریخ و صاف همچنین منبعی ارزشمند برای تحقیق در مورد تجارت دریایی دو جزیره قیس و هرموز با هندوستان و رقابت و درگیری‌های سیاسی، نظامی ملوک دو جزیرهٔ مزبور می‌باشد. تاریخ‌ها و ماده تاریخ‌های موجود در این کتاب نیز حائز اهمیت بسیار است.

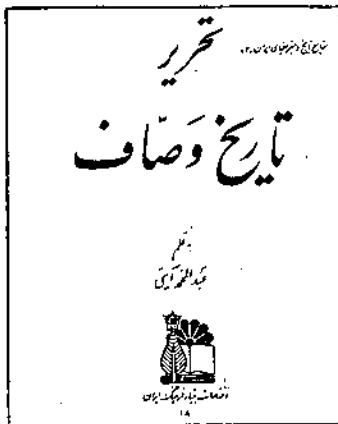
### چاپ‌های کتاب:

علیرغم تمامی امتیازاتی که ذکر شد نثر کتاب بسیار مصنوع و متکلف است و در آن از آیات، احادیث، امثال، اشعار عربی و فارسی و لغات ترکی و عربی به صورت مکرر استفاده شده است. در واقع انگیزهٔ اصلی و صاف از تألیف کتاب خود، اظهار فضل و ادب و بیان مجموعهٔ صنایع ادبی و بلاغی در قالب علم تاریخ بوده است.<sup>۱۱</sup> هر چند که فایده علم تاریخ و عبرت‌آموزی آن را هم بهیچ وجه از نظر دور نداشته است.<sup>۱۲</sup> به هر حال ویژگی مزبور باعث شده است که تاکنون کتاب به صورتی مطلوب و علمی تصحیح و چاپ نشود و بسیاری از علاقه‌مندان تاریخ نتوانند به نحوی شایسته از آن استفاده کنند. به هر حال چاپ‌های موجود تاریخ و صاف به شرح زیر می‌باشد:

دکتر حامر بخش اول کتاب را در سال ۱۸۵۶ م در وین به زبان آلمانی ترجمه و چاپ کرد. تمام کتاب در سال ۱۲۶۹ ه. ق با چاپ سنگی و قطع رحلی و بدون تصحیح و حاشیه در بمبئی منتشر شد، که در سال ۱۳۴۰ ه. ش به سرمایه مشترک دو کتابخانه ابن سینا و جعفری تبریزی در تهران افست گردید. حسین افندی بغدادی نیز شرحی به زبان ترکی به نام «شرح و صاف» نوشته است. دکتر عبدالمحمد آیتی نیز تحریری جدید، و در عین حال ناقص، از کتاب را در سال ۱۳۴۶ ه. ش در تهران منتشر کرده است.

### زیر نویس‌ها:

- ۱- اقبال آشتیانی عباس، تاریخ مغول، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۶، ص ۴۸۷.
- ۲- و صاف الحضرة فضل الله بن عبدالله، تجزیة الامصار و تجزیة الاعصار، به اهتمام محمد مهدی اصفهانی، بی‌نا، بمبئی، ۱۲۶۹، ص ۶.
- ۳- به عنوان مثال در مورد فتح ری رک به منبع پیشین، ص ۵۷۷.
- ۴- آیتی عبدالمحمد، تحریر تاریخ و صاف، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، چاپ دوم ۱۳۷۲، ص ۱۱۶.
- ۵- و صاف الحضرة، تاریخ و صاف، ص ۶۵۶.
- ۶- بهار محمدتقی، سبک‌شناسی، ج ۳، انتشارات پرستو، تهران، بی‌تا، ص ۱۰۴.
- ۷- و صاف الحضرة، تاریخ و صاف، ص ۶.
- ۸- رک به منبع پیشین، صص ۳۶۴ - ۳۶۲ و ۴۲۹ - ۴۲۶.
- ۹- اینجو = املاک شخصی ایلخان و خاندان او، املاک خاصه.
- ۱۰- و صاف الحضرة، تاریخ و صاف، صص ۲۳۱ - ۲۳۰.
- ۱۱- منبع پیشین، صص ۱۴۷ و ۶۵۵.
- ۱۲- منبع پیشین، ص ۶.



تاریخ و صاف منبع دست اول ارزشمندی برای سلسله ایلخانان است که حوادث تاریخی را

به صورت موضوعی

از پایان کتاب تاریخ جهانگشای جوینی، یعنی

سال ۶۵۶ ه. ق (فتح بغداد به وسیله هلاکو)

تا سال ۷۲۳ ه. ق، اواسط حکومت

سلطان ابوسعید (آخرین ایلخان مغول)

به رشته تحریر درآورده است



مرحوم ملک الشعراء بهار می‌نویسد:

«من پس از خواجه ابوالفضل بیهقی ..... این

مرد فاضل (وصاف الحضرة) را دیدم که

تا این درجه جانب

حق و عدل را رعایت کرده است»